

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ ۱۹ شوال ۱۴۴۲ ۳۱ می ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۱۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۵
اذان صبح فردا ۴:۰۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نورنوشت

باغ فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو ایران، در پارک کوچک استان البرز با حضور چهره‌های فرهنگی افتتاح شد. / عکس: عارف فتحی‌اکبری، مهر



زیر آسمان ایران

هدیه تناولی به مردم ایران

ایسنا: «پرویز تاولی» از هنرمندان شناخته‌شده و از علاقه‌مندان و پایبندان هنرهای عامیانه است. او با اهدای مجموعه دست‌بافته‌های عشایری که پیش از ۶۰ سال برای جمع‌آوری آنها زحمت کشیده بود، یادگاری ارزشمندی برای مردم ایران به جا نهاد. حالا باید دید که متولیان امر و پژوهشگران تا چه اندازه می‌توانند از این مجموعه ارزشمند برای زنده نگه داشتن هنر و صنایع دستی پیشین ایرانی بهره ببرند.

تاولی که بیشتر در حوزه مجسمه‌سازی شهرت دارد، در سال‌های حضورش در ایران، انواع فرش‌ها و گلیم‌های دست‌بافت عشایر ایرانی را جمع‌آوری و مجموعه ارزشمندی را به دست آورد؛ مجموعه‌ای که ۱۴۰۸ اثر آن به موزه نصیرالملک شیراز اهدا شده است و بخشی از آن یعنی هشت قطعه هم‌اکنون به‌صورت موقت در موزه ملی فرش ایران (تهران) به نمایش گذاشته شده است. هرچند به دلیل شرایط کرونایی امکان بازدید حضوری از این مجموعه وجود ندارد.

این وقف فرهنگی، از آنجایی بسیار حائز اهمیت می‌شود که با توجه به تغییر شرایط زندگی عشایر، احتمالاً بسیاری از این دست‌بافته‌ها شاید دیگر تولید نشوند. از این رو زنده نگه داشتن آنها کمک بسیاری به تاریخ و فرهنگ می‌کند.

به گفته محمدرضا کارگر، مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی، کشور‌های عربی خواهان مجموعه دست‌بافته‌های عشایری و روستایی پرویز تاولی بودند و پیشنهادهای میلیون‌دلاری برای خرید آثار داده بودند اما پرویز تاولی دوست داشت که این آثار برای نسل‌های آینده ایران باقی بماند. تاولی که مجموعه‌ای از قفل‌های ایرانی را نیز گردآوری می‌کرد، یادآور شده بود که «مادران عشایر که پسرانشان را با گله همراه می‌کردند، هنر دست‌های خود را به زیبایی روی بافته‌های «نمکدان‌ها» به یادگار گذاشته‌اند. با خودم گفتم اگر من اینها را جمع‌آوری نکنم، چه کسی این کار را انجام می‌دهد؟ اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها خیلی به این موضوعات توجه کرده‌اند اما در ایران به مواردی مثل قفل‌ها، طلسم‌ها، سنگ قبرها و کرافیک سنتی توجهی نشده است. این هنرها از دل مردم برخاسته‌اند و مردمی هستند، کسانی که اینها را به وجود آورده‌اند دانشگاه نرفته‌اند و تعلیم پیش استاد ندیده‌اند، اما خود به خود جوهر وجودشان که با عشق بوده باعث شده آثاری به وجود بیاورند که اسم هنر را روی آنها بگذاریم». رونمایی از مجموعه دست‌بافته‌های تاولی که این روزها هشت قطعه آن به‌صورت موقت در موزه ملی فرش قرار گرفته است، بهانه خوبی است برای بازدید از این نمایشگاه. موزه فرش ایران همانند سایر موزه‌ها در این روزها سووت‌و‌کور است و مجموعه تاولی نیز در همین شرایط در طبقه دوم این مجموعه قرار گرفته و قرار است به‌صورت مجازی در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد. در این مجموعه انواع دست‌بافته‌های عشایری مانند گلیم، نمکدان، تاجه، گبه، نیم‌خورجین، چننه، جای قلیان، روکرسی، رواسبی، مفرش، سفره نان، جای تنباکو و... دیده می‌شود. پرینا بیضایی، مدیر موزه ملی فرش ایران امیدوار است پرویز تاولی در تصمیم خود یعنی اهدای تنها ۹ قطعه تجدیدنظر کند و تعداد بیشتری را برای این موزه در نظر بگیرد. او درباره این نمایشگاه می‌گوید: «آثار این مجموعه بسیار برای ما جذاب بود و موزه فرش از خیلی از آنها مانند نمکدان‌ها و مفرش‌های بی‌نظیر بی‌بهره است. خیلی خوشحال می‌شویم تعداد آثار اهدایی ایشان به موزه فرش بیشتر باشد تا ما نیز بتوانیم از این مجموعه ارزشمند بهره ببریم. ما مجموعه‌ای از دست‌بافته‌های عشایری را داریم، اما آثار آقای تاولی به غنای این مجموعه کمک می‌کند». با توجه به شرایط فعلی هم‌اکنون امکان بازدید حضوری وجود ندارد اما صفحه اینستاگرام موزه فعال است و در آنجا گزارش‌ها و تصاویری از این مجموعه در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

پرنده آبی

کتاب‌هایی که رسید

همین چند هفته پیش بود که فراخوانی برای ارسال کتاب به زندان بزرگ داده شد. چند روز پیش «محمد شریفی مقدم» که این پیشنهاد را داده بود، نامه‌ای نوشت و درباره تحویل‌گرفتن ۱۱ هزار کتابی که مردم فرستاده‌اند، خبر داد؛ نامه‌ای که همدلی و همراهی را به یادمان می‌آورد. او نوشته است: «دو هفته اخیر را به تقریب همراه افسر نگهبان برای تحویل کتاب‌ها از بند خارج شدم تا در یکی از دفاتر حفاظت زندان بسته‌های پستی را تحویل بگیرم یا در سر تیب بسته‌هایی را که به در زندان تحویل داده شده بود، دریافت کنم. فرصتی مغتنم برای من و ۱۲،۱۰ زندانی دیگر بود برای دیدن تپه‌های اطراف زندان و دادن استراحتی به چشم‌ها با نگاه کردن به نقطه‌ای دور که در بند یافت نمی‌شود. فقط همین نبود؛ وقتی یک نیتسان مملو از کتاب را خالی می‌کردیم و هم‌زمان باران تندی گرفت و سرعت‌مان را چند برابر کردیم تا کتاب‌ها خیس نشوند، کتاب‌ها ما زندانیان که با چنگ و دندان و جروبحث یک‌روزه، زندان نیتسان را به داخل راه داده بود، حاملان حساسی خوب شد. وقتی چند گاری کتاب را در کردید می‌کشیدیم، شغفمان در مشت‌هایمان بود و با لبخندی که به هم می‌زدیم، خوشحالی خود را نشان می‌دادیم.

وقتی یک به یک بسته‌های پستی را باز می‌کردیم و هرکس می‌گفت این از سمت شهر ما فرستاده شده و آن از شهر دیگری، ما برخلاف معمول یک بار شنیده شده بودیم. وقتی هر بند انتظار صد کتابش را می‌کشید تا کتابخانه‌اش را در بند تأسیس کند و چند نفری سراغ کتاب‌هایی را می‌گرفتند و می‌گفتم «ملت عشق و خیام هم آمده برایتان می‌فرستیم، یا جز از کل هست برایتان کنار می‌گذاریم، قوت قلب می‌گفتم». وقتی پشت روزنامه‌ای که تنها یک نسخه‌اش در تیب بود و در میان بندها ردوبدل می‌شد، درباره زندان نوشته شده بود و همه می‌خواندند و برای یکدیگر تعریف می‌کردند که

«اینجا را بین از ما حرف زده‌اند»، یعنی هنوز هستیم. وقتی دختر هم‌بندیمان گفته بود می‌خواهم به این آدرس کتاب بفرستم و آدرس را خوانده بود و هم‌بندیمان گفته بود: «اینکه بند خود ماست بابا»، شما حال بسیاری را در میان این دیوارهای فراموش شده خوب کردید. امیدواریم حالتان حساسی خوب باشد. به نقطه‌ای کتاب فرستادید که لااقل پنج بند جوانان متولد دهه ۸۰ ساکن حاشیه دار. تنها می‌نویسم کتاب‌هایتان رسید؛ هم شما که برایمان کتاب‌ها را پست کرده بودید و هم شما که به در زندان آمده بودید و کتاب‌ها را تحویل دادید و هم شما انتشاراتی عزیز که وقتی به راننده‌تان که ساعت‌ها پشت در مانده بود چند آیمپو و یک دادیم آنها را گرفت و گفت اینجا دست آدم‌ها بسته است، اینها را به زندانیان بی‌ملاقاتی بدهید. هزار کتاب را تخلیه کرد و رفت.

در ادبیات زندان «داداشی بیرونی» فارغ از جنسیت، نماد دوستی است که در بیرون از زندان است و هوای زندانی را دارد و من با ادبیات زندان می‌نویسم؛ داداشی مونیو، بیرونی. از جانب خودم و همه زندانیان زندان تهران بزرگ از شما ممنونیم؛ تاکنون ۱۱ هزار جلد کتاب تحویل گرفته‌ایم و اکنون با بسته‌های صدهائی به بندها می‌فرستیم».



بی‌بی‌سی: بوریس جانسون به اولین نخست‌وزیر انگلستان تبدیل شد که در دوران نخست‌وزیری‌اش ازدواج کرده است. او و نامزدش کری سیمونز در مراسمی مخفی و پنهانی ازدواج کردند. پیش‌تر قرار بود مراسم ازدواج بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس و نامزدش کری سیمونز، ۳۰ جولای ۲۰۲۲ برگزار شود. این سومین ازدواج بوریس جانسون و اولین ازدواج کری سیمونز است.



شرق: ویدئویی از مراسم تقدیم استوارنامه سفرای چند کشور در کرملین منتشر شده که در آن سرکنی لاوروف خطاب به چند کارمند زن به شوخی می‌گوید: «آیا داخل سالن به شما هم شیرینی دادند؟» و در بخشی دیگر می‌گوید: «مگر امروز هشتم مارس (روز جهانی زن) است؟». این شوخی‌های لاوروف خبرساز شده است.



یسور نیوز: آژانس فضایی اروپا خبر داد سامانتا کریستوفورتی نخست‌ترین اروپایی خواهد بود که فرماندهی ایستگاه فضایی بین‌المللی را بر عهده می‌گیرد. تاکنون کمتر از ۶۰۰ فضانورد به فضا سفر کرده‌اند که تنها حدود ۱۰ درصد آنها زن بوده‌اند. این فضانورد ۴۴‌ساله متولد میلان، سومین زن فرمانده در ایستگاه بین‌المللی فضایی پس از دوزن آمریکایی خواهد بود.



گاردین: پزشکی قانونی در حال بررسی نقش واکسن آسترانزا در مرگ «لیزا شا»، کوبنده معروف رادیویی بی‌بی‌سی است. بستگان این مجری و کوبنده می‌گویند «لیزا شا» یک هفته پس از دریافت واکسن آسترانزا سردرد شدیدی داشت و چند روز بعد به‌شدت بیمار شد تا اینکه دیروز بر اثر لخته‌شدن خون جان خود را از دست داد.



اسپونیک: وزیر خارجه پیشین آمریکا مدعی شد آزمایشگاه ویروس‌شناسی ووهان یک برنامه نظامی مخفیانه دارد. میپتو می‌گوید: «با اطمینان می‌توانم بگویم ما معتقدیم برنامه‌هایی در این مرکز و در ارتباط با ارتش چین وجود دارد؛ بنابراین در کنار آنچه آنها مدعی‌اند برنامه‌های غیرنظامی است، فعالیت‌هایی نظامی در کار است.»

تحلیل

آیا رأی‌ندان و تشویق به آن جرم است؟



نعمت احمدی
وکیل

در میان اخبار مختلف سیاسی و انتخاباتی یک نقل‌قول از سردار حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی، روی خروجی خبرگزاری‌ها رفت و واکنش‌های فراوانی به همراه داشت. آن هم اینکه سردار اشتری در واکنش به آنچه «هنجارشکنان انتخاباتی» نامیده بود گفته بودند «با کسانی که مردم را به رأی‌ندان دعوت کنند، برخورد می‌شود».

یکی از اصول اولیه که در علم حقوق جزا داریم، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات است. اگر شما یک دانشجوی حقوق در ایران باشید، در ترم دوم دانشگاه با این موضوع آشنا می‌شوید و درس آن را می‌خوانید؛ اما اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات به چه معنی است؟ این به آن معنی است که قانون‌گذار باید در ابتدا برای یک مسئله عنوان مجرمانه تعریف کند؛ یعنی تعریف کند که مثلاً سرقت به معنی ربودن مال دیگری جرم است. همچنین تعیین کند که مجازات سارق که عمل ربودن را انجام داده، هم تا چه میزان است. همین مسئله ساده می‌شود تعریف ساده اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات. چیزی که اجازه نمی‌دهد کسی، دیگری را به یک دلیل خلق‌الساعه مجازات کند. بارها به اصل «قیح عقاب بلا بیان» اشاره شده که شما نمی‌توانید بی‌آنکه مجازات چیزی را از پیش گفته باشید، کسی را عقوبت کنید. این تعریف ابتدایی از اصول مسلم علم حقوق است که همین توضیحات بالا هم به‌خوبی واضح‌بودن بیش از حدش را بیان می‌کند. مجازات هم باید از سوی قانون‌گذار که مجلس در ایران است، تعیین شود. گفتن ندارد که سیر قانونی‌اش هم به این ترتیب است که مجلس قانونی را



تصویب می‌کند و شورای نگهبان آن را تأیید می‌کند و با سیر سایر مراحل قانونی‌اش به یک قانون در کشور تبدیل می‌شود که از آن پس لازم‌الاجراست. پس تا چنین فرایندی پیش نرود، نمی‌توان کسی را بابت کاری مجازات کرد. با ذکر این مقدمه باید بگویم که فعلاً ما در قانون کشورمان هیچ عنوان مجرمانه‌ای برای تشویق به رأی‌ندان نداریم. بالطبع وقتی عملی وجود داشته باشد که قانون‌گذار آن را جرم نداند، نمی‌توان برای آن عمل هم مجازاتی تعیین کرد. حالا جناب فرمانده نیروی انتظامی بفرمایند که این مسئله تحت چه عنوان مجرمانه‌ای می‌گنجد؟ آیا قرار است تشویق به رأی‌ندان را در قالب تبلیغ علیه نظام تعریف کنند؟ آیا رئیس‌جمهور تحت عنوان کلی «نظام» محسوب می‌شود؟ آیا شرکت‌کردن یا نکردن در انتخابات جرم تلقی می‌شود؟ به هر حال در هر دوره ۳۰ یا ۴۰ درصد مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند. آیا می‌توان گفت همه اینها جرمی مرتکب شده‌اند؟ به هر حال بحث‌های انتخاباتی زیادی این روزها در جریان است. آنهایی که تصمیم ندارند در انتخابات شرکت کنند، به دیگران هم رأی و نظرشان را می‌گویند. آیا می‌توان آنها را مجرم قلمداد کرد؟ یعنی ما در همه این سال‌ها این حجم درخور توجه شهروند «مجرم» در کشور داشتیم؟ طبیعتاً پاسخ منفی است. همان‌طور که در مقدمه گفتیم، برابر اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات ما عنوان مجرمانه تحت عنوان «رأی‌ندان»، «تبلیغ‌کردن برای رأی‌ندان» و امثال اینها نداریم. اگر قرار است پلیس با این دست فعالیت‌ها در قالب جرم برخورد کند، بهتر است مسیر قانونی را پیش بگیرند و به نحوی این مسئله را در مجلس تصویب کنند و بعید می‌دانم شورای نگهبان هم با آن مخالفتی کند و این مسئله را به قانون تبدیل کند.

آکادمی

انتخابات نظام پزشکی



بابک زمانی
نورولوژیست

امکان اعمال‌نظر عملی جامعه پزشکی در امورات سلامت بوده است. به‌ترتیبی که این اعمال‌نظر با درنظرگرفتن مصالح عمومی صورت بگیرد. وقتی سازمان نظام پزشکی هیچ‌گونه حق و اختیاری در نحوه عملکرد پزشکان و مراکز درمانی نداشته باشد و اگر توان او منکی بر اراده پزشکان و هدایت این اراده نباشد، اگر این حق را نداشته باشد که به‌عنوان نماینده پزشکان وارد معاملات اجتماعی بشود - معامله‌ای که هریک از طرفین حقوق مساوی دارند و یک‌طرف فروشنده‌ای محکوم به فروش نیست - نهایتاً تبدیل به صادرکننده بیانیه و درخواست می‌شود. نهادهای دولتی و غیردولتی که در مقاطع مختلف بیانیه صادر می‌کنند کم نیستند. تفاوت سازمان نظام پزشکی در آن است که باید بر قدرتی که حاصل تجمع بی‌قدرتان (پزشکان) باشد، تکیه زند تا در محاسبات اجتماعی به حساب آید و بتواند در ذهن یک تصمیم‌گیر فرادست تصویری از واکنش احتمالی جمعی - در صورت عدم رعایت آن نظر - بپردازد. تنها از همین طریق است که جوامع پزشکی می‌توانند امنیت سلامت (بر وزن امنیت پرواز) در کشور را تأمین کنند. مسئولان فرادست آن‌قدر مشکلات درهم‌پیچیده دارند و آن‌قدر بیانیه‌های جورواجور احاطه‌شان کرده که چاره‌ای جز تکیه بر واقعیات و جدیت گروه‌ها ندارند. ناامیدی جامعه پزشکی از سازمان نظام پزشکی نه به نیات و خصوصیات مسئولان آن - که همواره از شریف‌ترین و صدیق‌ترین پزشکان کشور بوده‌اند - که به جایگاه عرفی این سازمان به‌عنوان یک مؤسسه نیمه‌دولتی دیگر برمی‌گردد. سازمان حتی برای یک‌بار هم نتوانسته یا امکان آن را نداشته که جامعه پزشکی را در مقابله با روشن‌ترین نمونه‌های نقض سیستم سلامت به واکنشی عملی ترغیب و آن واکنش را هدایت کند. حتی در مقاطعی که قانون هم اجازه می‌داد، قادر به این کار نبود. واکنش مدنی و اجتماعی با هدایت سازمان تابویی است که حتی نمی‌توان بر زبان راند. از آنجاکه هیچ تلاشی برای ساماندهی واکنش قانونی، مدنی و همگانی پزشکان به عمل نیامده اساساً چنین تجاربی هم اندوخته نشده است. اینکه خود سازمان چنین جایگاهی برای خود قائل نیست یک مسئله است اما نکته مهم‌تر و ناامیدکننده‌تر جامعه‌ای است که ترجیح می‌دهد بر سقبنه‌های بنشیند که راهبر آن نتهتا در لغو پرواز بی‌اختیار است بلکه کوچک‌ترین امکان عملی در ترمیم مشکلات این سفینه هم ندارد. رکود انتخابات سازمان نظام پزشکی شاید آخرین کنش باقی‌مانده مدنی برای جامعه پزشکی باشد تا یک‌بار دیگر بر اهمیت نقش خود در کلیت کار سلامت تأکید کند.

کودکی

اشک تمساح

سهیلا اثباتی



این روزها شاهد نگاهی تازه به کودک کار هستیم. یک برنامه، کودک کار را مقابل دوربین تلویزیون قرار می‌دهد و به قیمت گرفتن اشک و آه، تعداد بینندگان را بالا می‌برد، بدون اینکه بگوید چرا کودک، ناچار به کارکردن است، چه مناسباتی کودک کار تولید می‌کند و چه کسانی مسئولیت حذف کار کودک را بر عهده دارند. یک عکاس، کودکان کار را بزک می‌کند و با فخر برای برآورده‌ساختن آرزویشان تاج بر سرشان می‌گذارد و آنان را پرئسس‌های کسوره می‌نامد و تمام آرزوها و حقوق این کودکان را به چنین سطح نازل و حقیرانه‌ای تنزل می‌دهد. کمی بعدتر یک طراح لباس با همراهی عکاس، مدل خانم را به هیئت دخترک فال‌فروش درمی‌آورد و تبلیغ فرزند خود را در فضایی شیک ارائه می‌کند. در سریال خانگی ملکه گدایان، کودک کار پوششی برای پول‌شویی به ظاهر طرفدارانش معرفی می‌شود و... این‌گونه اعمال با زر ناگاهی از شرایط زندگی و دلایل کار کودک است که مسلمان در دنیای ارتباطات امروزی بعید به نظر می‌رسد، یا برنامه‌ای از پیش تنظیم‌شده برای سطحی‌نگری، عادی‌سازی و غافل‌کردن جامعه از پرسشگری برای حل این بحران اجتماعی است. سال‌ها بی‌توجهی به این معضل اجتماعی، دردآور بود و حالا این‌گونه توجه، پاک‌کردن

اتفاق



سینمادبلی: جورج کلونی در همکاری با سایات خیره Omaze قرار است یک نفر را به قید قرعه به ویلای خود در ایتالیا میهمان کند؛ اما نکته بامزه اینکه برای تبلیغ این برنامه خیره، کلونی در ویدئویی از مزایای رفیق‌بودن و گشتن با خودش گفته و با خودش و رفیقایش از جمله برد پیت شوخی‌های بسیاری کرده است.